

به نظر توبه چگونه است؟

آر. سی. اسپرول

یکی از مزامیری که ما را به توبه هدایت می‌کند، مزمور ۵۱ است که توسط داوود پس از مواجهه‌ی او با ناتان نبی نوشته شده است. ناتان اعلام کرد که داوود با گرفتن بتشبع به همسری و قتل شوهرش، اوریا، به شدت در برابر خدا گناه کرده است.

دیدن ناراحتی و پشیمانی قلبی بیان شده توسط داوود مهم است، اما همچنین باید درک کنیم که توبه‌ی قلبی و حقیقی، کار خدای روح‌القدس است. داوود به دلیل تأثیر روح‌القدس بر او توبه می‌کند. نه تنها این، بلکه هنگام نوشتن این دعا، آن را تحت الهام از روح‌القدس می‌نویسد. روح‌القدس در مزمور ۵۱ نشان می‌دهد که چگونه توبه را در قلب ما ایجاد می‌کند. وقتی به این مزمور نگاه می‌کنیم، این موضوع را مد نظر داشته باشید.

مزمور ۵۱ با عبارت «ای خدا به حسب رحمت خود بر من رحم فرما؛ به حسب کثرت رأفت خویش، گناهانم را محو ساز.» (مزمور ۵۱: ۱). در اینجا اصلی را می‌بینیم که برای توبه بسیار اساسی است. معمولاً وقتی انسان از گناه خود آگاه می‌شود و از آن روی بر می‌گرداند، خود را به رحمت خدا می‌سپارد. اولین ثمره توبه واقعی، شناخت نیاز عمیق ما به رحمت است. داوود از خدا عدالت نمی‌خواهد. او می‌داند که اگر خداوند با او به عدالت رفتار کند، فوراً نابود می‌شود. در نتیجه، داوود اعتراف خود را با درخواست رحمت آغاز می‌کند.

وقتی داوود از خدا می‌خواهد که گناهان و تقصیرش را پاک کند، او از خدا می‌خواهد که لکه‌ای را از روحش بزداید، ناعدالتی‌اش را بپوشاند و او را از گناهی که اکنون بخشی دائمی از زندگی شده، پاک کند. پس می‌گوید: «مرا از عصیانم به کلی شست و شوده و از گناهم مرا طاهر کن.» (مزمور ۵۱: ۲).

در یک نگاه، بخشش و پاک‌شدن به هم مرتبط هستند، اما یکسان نیستند. در عهد جدید، یوحنا‌ی رسول می‌نویسد: «اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد.» (اول یوحنا ۱: ۹). با روحیه‌ی توبه، به پیشگاه خدا می‌رویم و به گناهان خود اعتراف می‌کنیم و نه تنها درخواست عفو و بخشش می‌کنیم، بلکه قوت خداوند را می‌طلبیم که دیگر از انجام آن گناه خودداری کنیم. همانطور که داوود در این مزمور انجام می‌دهد، ما نیز می‌خواهیم که تمایل ما به شرارت از بین برود.

داوود ادامه می‌دهد: «زیرا که من به معصیت خود اعتراف می‌کنم و گناهم همیشه در نظر من است.» (مزمور ۵۱: ۳). این صرفاً یک اعتراف سطحی نسبت به گناه نیست. او یک شخص نگران و مضطرب است که می‌گوید: «می‌دانم که گناهکار و مقصرم». او هیچ تلاشی برای دست‌کم گرفتن گناه خودش ندارد و تلاشی هم برای توجیه خودش انجام نمی‌دهد. با این حال، ما اغلب استاد توجیه کردن هستیم و به شدت دنبال این هستیم که با ارائه انواع دلایل رفتار گناه‌آلود خودمان را توجیه کنیم. اما در این متن، با قدرت روح القدس، داوود به جایی می‌رسد که در برابر خدا صادق باشد. او به گناه خود اعتراف می‌کند و متوجه می‌شود که گناه او همیشه وجود دارد. او نمی‌تواند از آن خلاص شود و این او را آزار می‌دهد.

سپس او فریاد می‌زند: «به تو و به تو تنها گناه ورزیده و در نظر تو این بدی را کرده‌ام، تا در کلام خود مُصَدِّق گردی و در داوری خویش مُزْکّی شوی.» (مزمور ۵۱: ۴). به یک معنا، در اینجا داوود در حال اغراق کردن ایست. او به شدت در برابر اوریا، خانواده‌ی اوریا و دوستانش، بتشیع و تمام قوم خدا گناه کرده است. اما داوود می‌داند که در نهایت گناه علیه خدا می‌باشد، زیرا خدا تنها وجود کامل در جهان هستی می‌باشد. از آنجایی که خداوند داور آسمان و زمین است، همه‌ی گناهان بر اساس تخطی از قانون خدا تعریف می‌شود و علیه قدوسیت او است. داوود این را می‌داند و تصدیق می‌کند. او حقیقت گناه خود در برابر انسان‌ها را به حداقل نمی‌رساند، اما او غایت گناه را که نسبت به خداوند است، تشخیص می‌دهد.

در ادامه او اظهاراتی را انجام می‌دهد که اغلب نادیده گرفته می‌شود. این در بخش دوم آیه ۴ یافت می‌شود و یکی از قوی‌ترین عبارات توبه واقعی است که در کتاب مقدس می‌یابیم: «تا در کلام خود مُصَدِّق گردی و در داوری خویش مُزْکّی شوی.» (مزمور ۵۱: ۴). در اصل داوود می‌گوید: «ای خدا، تو حق داری که مرا قضاوت کنی، و مشخص است که من سزاوار چیزی جز قضاوت و خشم و غضب تو نیستم.» داوود تصدیق می‌کند که خدا بی‌عیب است و حق قضاوت او را دارد. هیچ معامله و مذاکره‌ای با خدا وجود ندارد.

«در معصیت سرشته شدم و مادرم در گناه به من آبستن گردید. اینک، به راستی در قلب راغب هستی. پس حکمت را در باطن من، به من بیاموز.» (مزمور ۵۱: ۵-۶). خدا نه تنها از ما حقیقت را می‌خواهد، بلکه آن را از عمق وجود ما می‌خواهد. داود اقرار می‌کند که او نتوانسته است آنچه خداوند فرمان داده را انجام دهد و از آن کوتاهی کرده است و اطاعت او اغلب، انجام یک آیین ظاهری بوده است و نه اعمالی که از مرکز وجود او نشأت گرفته باشد.

سپس داوود دوباره برای پاک شدن فریاد می‌زند: «مرا با زوفا پاک کن تا طاهر شوم. مرا شست و شو کن تا از برف سفیدتر گردم.» (مزمور ۵۱: ۷). ما می‌توانیم ناتوانی و بی‌قراری را در صدای داوود بشنویم. داوود نمی‌گوید: «خدایا، یک لحظه صبر کن. قبل از

اینکه به دعای خودم ادامه دهم، باید دست‌هایم را تمیز کنم. باید شسته شوم.» داوود کاملا آگاه است که خودش نمی‌تواند لکه و کثیفی گناهش را پاک کند. او نمی‌تواند آن را جبران کند. ما باید به داوود بپیوندیم تا بپذیریم که نمی‌توانیم گناهان خود را جبران کنیم. خداوند بعدها از طریق اشعیا نبی این وعده را داد:

«خداوند می‌گوید: بیایید تا با همدیگر محاجه نماییم. اگر گناهان شما مثل ارغوان باشد مانند برف سفید خواهد شد و اگر مثل قرمز سرخ باشد، مانند پشم خواهد شد.» (اشعیا ۱: ۱۸). وقتی خدا ما را در مصیبت گناهانمان بیابد، خشنود می‌شود که ما را از آن‌ها پاک کند.

سپس داوود می‌گوید: «شادی و خرمی را به من بشنوان» (مزمور ۵۱: ۸ الف). توبه چیز دردناکی است. چه کسی از اعتراف به گناه و پذیرش تقصیر لذت می‌برد؟ گناه قوی‌ترین نابودکننده شادی است. در حالی که داوود در این لحظه چندان خوشحال نیست، از خدا می‌خواهد که روح او را بازسازی گرداند و دوباره به او احساس شادی و خرمی ببخشد. او به این نکته اشاره می‌کند که می‌گوید: «تا استخوان‌هایی که کوبیده‌ای به وجد آید.» (مزمور ۵۱: ۸ ب). عبارت جالبی نیست؟ او می‌گوید،

ای خدا، تو مرا له و خورد کردی، استخوان‌هایم شکسته شده‌اند. این شیطان یا ناتان نبودند که استخوان‌هایم را شکستند، اما وقتی مرا با گناهانم محکوم کردی، استخوان‌هایم را شکستی. بنابراین، من به عنوان یک مرد شکسته در برابر تو می‌ایستم و تنها راهی که می‌توانم ادامه دهم این است که تو مرا شفا دهی و شادی و خرمی را به من برگردانید.

سپس می‌گوید: «روی خود را از گناهانم بپوشان و همه‌ی خطایای مرا محو کن. ای خدا دل طاهر در من بیافرین و روح مستقیم در باطنم تازه بساز.» (مزمور ۵۱: ۹-۱۰). تنها راه برای داشتن یک قلب پاک، خلقت دوباره‌ی الهی است. من قادر به ایجاد آن در خودم نیستم. تنها خدا می‌تواند قلب پاک خلق کند و با پاک کردن گناهان ما، قلب‌های پاک را در ما خلق می‌کند.

سپس داوود فریاد می‌زند: «مرا از حضور خود مینداز و روح قدّوس خود را از من بگیر.» (مزمور ۵۱: ۱۱). داوود متوجه می‌شود که این بدترین اتفاقی است که ممکن است برای هر گناهکاری اتفاق بیفتد. او می‌داند که اگر در توبه نکردن خود پافشاری کنیم، در حقیقت خدا ما را از حضور خود بیرون خواهد کرد. عیسی هشدار می‌دهد که کسانی که او را رد می‌کنند برای همیشه از خدا منقطع خواهند شد. اما دعای توبه پناهگاه و ملجای یک ایمان‌دار است. این پاسخ خداشناسانه فردی است که می‌داند در گناه است. این نوع پاسخ باید نمونه‌ی زندگی همه کسانی که تبدیل شده و ایمان آورده‌اند باشد.

داوود ادامه می‌دهد: «شادی نجات خود را به من باز ده و به روح آزاد مرا تأیید فرما. آنگاه طریق تو را به خطاکاران تعلیم خواهیم داد، و گناهکاران به سوی تو بازگشت خواهند نمود.» (مزمور ۵۱: ۱۲-۱۳). ما اغلب می‌شنویم که مردم دوست ندارند در حضور مسیحیان باشند، چون مسیحیان یا مغرور و حق به جانب هستند، و یا خودشان را متظاهر و پرهیزکارتر و دین‌دارتر از دیگران می‌دانند. اما این درست نیست. مسیحیان چیزی برای غرور ندارند، ما عادل‌شمردگانی نیستیم که بخواهیم گناهکار را اصلاح کنیم. همانطور که یکی از واعظان گفت: «بشارت فقط این است که یک گدا به گدای دیگر می‌گوید که کجا نان پیدا کند.» تفاوت اصلی بین یک ایمان‌دار و غیر ایمان‌دار، بخشش است. تنها چیزی که یک شخص را واجد شرایط خدمت به نام مسیح می‌کند این است که آن شخص بخشش را تجربه کرده و می‌خواهد در مورد آن به دیگران بگوید.

خداوند لب‌هایم را بگشا تا زبانم تسبیح تو را اخبار نماید. زیرا قربانی را دوست نداشتی و الاً می‌دادم. قربانی سوختنی را پسند نکردی. قربانی‌های خدا روح شکسته است. خدایا دل شکسته و کوبیده را خوار نخواهی شمرد. (مزمور ۵۱: ۱۵-۱۷). در اینجاست که قلب و روح یک توبه‌نبوتی را در انتهای این فصل می‌بینیم. ماهیت واقعی توبه الهی در عبارت «خدایا، دل شکسته و کوبیده را خوار نخواهی شمرد» یافت می‌شود. داوود می‌گوید، اگر می‌توانست، که تاوان گناهان خود را می‌پرداخت. اما تنها امید او این است که خداوند او را به رحمت خود بپذیرد.

کتاب مقدس به صراحت به ما می‌گوید و به ما نشان می‌دهد که خدا در برابر شخص مغرور مقاومت می‌کند و به فروتنان فیض می‌بخشد. داوود می‌داند که این درست است. او به همان اندازه که شکسته است، خدا را می‌شناسد و می‌داند که خدا چگونه با مردم توبه‌کننده رابطه دارد. او می‌داند که خدا هرگز از قلب شکسته و پشیمان متنفر نیست یا تحقیر نمی‌کند. این چیزی است که خدا از ما می‌خواهد. این همان چیزی است که عیسی در خوشا به حال‌ها در نظر داشت، وقتی گفت: خوشا به حال سوگواران، زیرا «خوشا به حال ماتمیان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت.» (متی ۵: ۴). این متن صرفاً درباره غم و ماتم برای از دست دادن یک عزیز نیست، بلکه غم و اندوهی است که هنگام محکوم شدن نسبت به گناهانمان تجربه می‌کنیم. عیسی به ما اطمینان می‌دهد که وقتی بخاطر گناه خود ماتم می‌کنیم، خدا به وسیله‌ی روح قدوسش، ما را تسلی خواهد داد.

من به همه‌ی مسیحیان توصیه می‌کنم که مزمور ۵۱ را حفظ کنند. این یک الگوی کامل از توبه الهی است. در زندگی خودم، بارها نزد خداوند آمده‌ام و گفته‌ام: «ای خدا، در من دلی پاک بیافرین، یا گناهان مرا محو کن. مرا با زوفا پاک کن، مرا بشوی و پاکم کن.» بارها دعا کرده‌ام: «خداوند، شادی نجات را به من بازگردان» و فریاد زدم: «فقط علیه تو، تنها به تو گناه کردم.» وقتی واقعیت

سنگینی بار گناهانمان را احساس می‌کنیم، کلمات قادر به این نیستند که ما بتوانیم در حضور خدا توبه‌ی خود را ابراز کنیم. ولی حقیقتاً این یک برکت است که بتوانیم در آن زمان‌ها، کلمات کتاب مقدس را بر لب‌های خودمان داشته باشیم.

این نوشته از مجموعه پرسش‌های حیاتی، کتابچه‌ی [توبه چیست؟](#)، نوشته‌ی آر. سی. اسپرول گرفته شده است.

دکتر آر. سی. اسپرول، بنیانگذار خدمات لیگونیر، اولین کشیش جهت موعظه و تعلیم در کلیسای سنت اندرو در سنفورد ایالت فلوریدا و اولین رئیس دانشگاه الهیات ریفورمیشن بایبل کالج بود. ایشان نویسنده‌ی بیش از یک‌صد جلد کتاب، از جمله قدوسیت خدا بوده است.

این مقاله در وبسایت [لیگونیر](#) منتشر شده است.